



نود روز در جبهه انرژی؛ از اضطرار جنگ تا ضرورت راهبرد

چرا ایران به رسانه راهبردی انرژی نیاز دارد؟



✦ | نود شماره پیش، «جبهه محمد قربانی مدیر گروه تحلیلی پتروپال»

بازار، دیپلماسی، امنیت و اقتصاد را در نقطه‌ای واحد به هم رسانده بود: انرژی. در روزهایی که تحولات سیاسی و نظامی با شتابی کم‌سابقه رخ می‌داد، روشن شد که میدان انرژی دیگر صرفاً میدان تولید و مصرف، صادرات و واردات، قیمت و قرارداد نیست. انرژی به زبان قدرت تبدیل شده بود؛ زبانی که در آن نفت، گاز، برق، پتروشیمی، بیمه نفتکش‌ها، مسیرهای کشتیرانی، کریدورهای منطقه‌ای، تحریم، امنیت زیرساخت و حتی افکار عمومی، همگی اجزای یک نبرد بزرگ‌تر بودند.

«جبهه انرژی» در چنین شرایطی شکل گرفت؛ برای آنکه تحولات پراکنده روزانه، در هیاهوی خبرهای فوری گم نشوند. مأموریت این ویژه‌نامه آن نبود که صرفاً وقایع را ثبت کند، بلکه تلاش کرد از دل رخدادها، معنا استخراج کند؛ از میان خبرهای ظاهراً منفصل، پیوندهای پنهان را نشان دهد؛ و از سطح حادثه، به عمق روند برسد. در این نود روز، مسئله اصلی فقط این نبود که قیمت نفت بالا رفت یا پایین آمد، کشتی‌ها از کدام مسیر عبور کردند، بیمه‌گران چه تصمیمی گرفتند یا کدام کشور موضع تازه‌ای گرفت. مسئله اصلی این بود که جهان انرژی چگونه در وضعیت جنگی بازاریابی می‌شود و ایران در این بازاریابی چه جایگاهی می‌تواند و باید داشته باشد.

این نود شماره به ما یادآوری کرد که امنیت انرژی، مفهومی محدود به ذخیره سوخت یا پایداری تولید نیست. امنیت انرژی یعنی توان فهم و مدیریت زنجیره‌ای از متغیرها: از دهانه تنگه هرمز تا بازارهای آسیایی؛ از اتاق‌های عملیات شرکت‌های بیمه تا تصمیم پالایشگاه‌ها؛ از مسیرهای جابگیرین صادرات تا سیاست‌های تعرفه‌ای؛ از امنیت خطوط انتقال تا تاب‌آوری شبکه برق؛ و از تحریم‌های مالی تا روایت‌سازی رسانه‌ای. در جهان جدید، کشوری

در حوزه انرژی قدرتمند است که فقط منبع و زیرساخت نداشته باشد، بلکه بتواند این متغیرها را هم‌زمان ببیند، تحلیل کند و به تصمیم تبدیل سازد.

در این میان، ایران موقعیتی یگانه دارد. جغرافیای ایران، تنها یک واقعیت طبیعی نیست؛ یک امکان راهبردی است. قرار گرفتن در مجاورت مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی، پیوند با خلیج فارس، دسترسی به ظرفیت‌های نفت و گاز، امکان اتصال به کریدورهای شرق، غرب، شمال و جنوب، و هم‌زمان مواجهه با رژیم پیچیده تحریم و فشار، ایران را در نقطه‌ای قرار داده که نه می‌تواند نسبت به تحولات انرژی جهان بی‌تفاوت باشد و نه می‌تواند صرفاً مصرف‌کننده تحلیل‌های دیگران بماند. ایران باید روایت خود را از انرژی داشته باشد؛ روایتی دقیق، داده‌محور، ملی، آینده‌نگر و قابل استفاده برای تصمیم‌سازی.

اهمیت «جبهه انرژی» دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود. این ویژه‌نامه در نود شماره کوشید نشان دهد که انرژی، موضوعی حاشیه‌ای در منازعات منطقه‌ای نیست؛ خود میدان منازعه است. هر رخداد در بازار نفت، هر اختلال در کشتیرانی، هر تغییر در نرخ بیمه، هر فشار بر صادرات، هر جابه‌جایی در مسیرهای تأمین و هر اظهار نظر درباره تنگه‌ها و کریدورها، حامل پیام راهبردی است. اگر این پیام‌ها به درستی خوانده نشوند، کشور نه تنها فرصت‌های خود را از دست می‌دهد، بلکه ممکن است در برابر تهدیدهایی قرار گیرد که پیش از ظهور در میدان عمل، نشانه‌های آن در بازار، رسانه و سیاست قابل مشاهده بوده است.

از این منظر، کار نود روزه «جبهه انرژی» صرفاً انتشار یک ویژه‌نامه نبود؛ تمرین ساختن یک حافظه تحلیلی بود. حافظه‌ای که ثبت می‌کند در لحظه بحران، کدام متغیرها فعال شدند، کدام مسیرها اهمیت یافتند، کدام آسیب‌پذیری‌ها آشکار شد، کدام ظرفیت‌ها نادیده ماند و کدام تصمیم‌ها می‌توانستند سرنوشت متفاوتی رقم بزنند. کشورهایی که حافظه تحلیلی ندارند، هر بحران را

از نو تجربه می‌کنند؛ اما کشورهایی که رخدادها را به دانش تبدیل می‌کنند، از بحران‌ها برای ساختن راهبرد بهره می‌برند.

اکنون، در نودمین شماره، می‌توان با صراحت گفت که دوره‌ای از کار به پایان رسیده، اما مأموریت «جبهه انرژی» پایان نیافته است. شرایط اضطراری، ضرورت انتشار روزانه و نزدیک به روزانه را پدید آورد؛ اما خود بحران نشان داد که مسئله انرژی در ایران، مسئله‌ای مقطعی نیست. جنگ ممکن است در یک مقطع شدت بگیرد یا فروکش کند؛ اما رقابت بر سر انرژی، مسیرهای انتقال، بازارهای مصرف، فناوری‌های جایگزین، امنیت زیرساخت و نظم منطقه‌ای، همچنان ادامه خواهد داشت. به همین دلیل، پایان این دوره نه نقطه توقف، بلکه نقطه گذار است؛ گذار از ویژه‌نامه بحران به ماهنامه راهبردی.

از این پس، «جبهه انرژی» می‌تواند و باید در قالب یک ماهنامه تحلیلی، پرونده‌محور و سیاست‌پژوهانه ادامه یابد؛ ماهنامه‌ای که به جای تعقیب شتاب‌زده رخدادها، روندها را عمیق‌تر بکاود؛ پرونده‌های راهبردی درباره نفت، گاز، پتروشیمی، برق، هرمز، کریدورها، تحریم، سرمایه‌گذاری، امنیت عرضه، دیپلماسی انرژی و اقتصاد جنگ تهیه کند؛ و میان جامعه کارشناسی، نهادهای تصمیم‌گیر، صنعت انرژی و افکار عمومی پل بزند. چنین ماهنامه‌ای نباید صرفاً نشریه‌ای برای ثبت تحلیل‌ها باشد؛ باید به اتاق فکر مکتوبی تبدیل شود که بتواند پرسش‌های دشوار را طرح کند، پاسخ‌های ممکن را بسنجد و برای آینده انرژی ایران، صورت‌بندی‌های تازه بسازد.

در این مسیر، یک اصل نباید فراموش شود: ایران برای تبدیل موقعیت انرژی خود به قدرت راهبردی، بیش از هر چیز به فهم منسجم نیاز دارد. منابع بدون راهبرد، مزیت پایدار نمی‌سازند. جغرافیا بدون طراحی نهادی، به قدرت تبدیل نمی‌شود. ظرفیت تولید بدون دیپلماسی، سرمایه‌گذاری، فناوری و روایت، در سطح امکان باقی می‌ماند.

«جبهه انرژی» اگر بتواند در دوره جدید خود همین پیوندها را روشن کند، می‌تواند نقشی فراتر از یک نشریه داشته باشد: نقش یک نهاد میانجی میان دانش، رسانه و تصمیم.

نودمین شماره، بنابراین، هم جای جمع‌بندی دارد و هم جای سپاس. این مسیر نود روزه بدون همراهی پژوهشگران، نویسندگان، تحلیلگران، رصدگران، دبیران، ویراستاران، طراحان، مدیران و همه دست‌اندرکارانی که در روزهای فشرده و پرباهم، با دقت، تعهد و دغدغه ملی پای کار ایستادند، ممکن نبود. هر شماره، حاصل ساعت‌ها رصد، بحث، تحلیل، نوشتن، بازبینی و آماده‌سازی بود؛ کاری که شاید در ظاهر به انتشار چند صفحه ختم می‌شد، اما در واقع بخشی از تلاش جمعی برای فهم یکی از پیچیده‌ترین میدان‌های نبرد معاصر بود.

از همه همراهانی که در این نود روز به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری و استمرار «جبهه انرژی» نقش داشتند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم؛ از پژوهشگرانی که داده‌ها و تحلیل‌ها را فراهم کردند؛ از نویسندگانی که رخدادها را به متن تبدیل کردند؛ از تیم تحریریه که نظم و انسجام کار را حفظ کرد؛ از طراحان و پشتیبانان رسانه‌ای که به محتوا صورت حرفه‌ای بخشیدند؛ و از مخاطبانی که با پیگیری، نقد و همراهی خود نشان دادند کشور به چنین روایت‌هایی نیاز دارد.

«جبهه انرژی» در نود شماره، روایت یک دوره پرتلاطم بود؛ اما از این پس، می‌خواهد فراتر از روزشمار بحران حرکت کند. این نشریه در قالب ماهنامه، با نگاهی عمیق‌تر، ساختاری‌تر و راهبردی‌تر با هویتی جدید ادامه خواهد یافت؛ برای آنکه انرژی ایران فقط موضوع خبر نباشد، موضوع اندیشه، سیاست و آینده‌سازی باشد.

نود روز گذشت؛ اما جبهه انرژی همچنان باز است. ♦